

اولین تألیف اخلاقی در نظام آموزشی ایران

(نگاهی به کتاب اخلاق شریعتی)

محمد نوری

در کف زندگی مست باشد و چراغی است که فراراه دزد
بدارند تا گزیده تر کالا را ببرد^۲.

استدلال استاد دربارهٔ زیربنا بودن درس اخلاق نسبت به بقیهٔ
دروس در مدارس کاملاً متین است و هم با مبانی شریعت اسلام و
آموزه‌های ادیان ابراهیمی سازگار است و هم منطبق با تجارب بشری
است، زیرا دانشمندان فراوانی بوده‌اند که به دلیل فقدان یا ضعف
اخلاقی دانش خود را در جهت تخریب بشریت به کار بسته‌اند.

در فرهنگ اسلامی به اخلاق اهمیت بسیار داده شده است.
ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹ق) در شرف و مرتبت اخلاق
می‌نویسد: کسی که به تحصیل دانش می‌پردازد باید جوان،
تندرست و آداب اخیار را از دست ندهد، عقیف و راستگو
باشد، غدار و خائن نباشد^۳.

فارابی مثل دیگر نخبگان و متفکران مسلمان بر این باور است
که مقدمهٔ دانش و سعادت، اخلاق است و عالم بدون اخلاق
فاقد ارزش و تقرب است، حتی علم باید وسیله و راهی برای
تهذیب اخلاق باشد^۴.

تألیف این اثر برای آموزش اخلاق به دانش‌آموزان و ملکه

بخشی از معضلات اخلاقی جامعهٔ کنونی ما توجه نکردن به
اخلاق علمی و عملی در نظام آموزشی است و این که متنی
آموزشی در دبستان و در مقاطع راهنمایی و دبیرستان برای
اخلاق در نظر نگرفته‌اند.

این مهم سبب گردید استاد محمدتقی شریعتی پدر دکتر علی
شریعتی در دوره ریاست آقای اکبر فیوضات بر اداره فرهنگ
خراسان و درخواست وی دست به تألیف کتابی درسی در باب
اخلاق و عقاید برای مبتدیان بزند، آقای فیوضات در مقدمه آن
نوشته است:

اخلاق شریعتی تألیف آقای محمدتقی شریعتی که با برنامهٔ
وزارت فرهنگ مطابق حاوی مواد اصول عقاید و اخلاق
است، نه تنها برای دانش‌آموزان و مبتدیان مفید است،
بلکه غیر مبتدی نیز از مطالعه آن بی‌نیاز نیست^۱.

استاد شریعتی در مقدمه به اهمیت و ضرورت درس اخلاق
برای دانش‌آموزان پرداخته و نوشته است:

اخلاق از همهٔ دروس مهم‌تر و شریف‌تر و سودمندتر
است، زیرا عموم اوقات رسمی و غیر رسمی و حتی در
خارج کلاس و آموزشگاه هم باید رعایت شود. اخلاق
گذشته از اینکه در پیشرفت تحصیلات کاملاً مؤثر است،
شرط اساسی و عمده در مفید بودن معلومات است و تقید
بر مبانی اخلاقی اهم وظایف و تکالیف هر دانشمندی
است، زیرا دانش و هنر بدون اخلاق همان تیغی است که

۱. مقدمه اصول عقاید و اخلاق شریعتی.

۲. استاد محمدتقی شریعتی، اصول عقاید و اخلاق شریعتی، ص ۳.

۳. احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، ص ۲۹ (انتشارات علمی و
فرهنگی، تهران).

۴. همان.

ساختن مفاهیم ارزشی در ذهن و روان نوباوگان بوده تا در بزرگسالی کارآمدتر و مفیدتر باشند.

لزوم و ضرورت برنامه‌ریزی برای آموختن علم اخلاق و حداقل قشر نوجوان و جوان به ویژه جنس مؤنث بر کسی پوشیده نیست، اما هرگونه برنامه‌ریزی که بخواهد در سطح کلان تصویب و به اجرا درآید مبتنی بر تجارب تاریخی باید باشد؛ از این رو مطالعه تاریخ اخلاق و تاریخ تعلیم و تربیت ضرورت جدی دارد. تا دوره جدید که انفکاک بین نظام آموزشی علوم دینی و غیر دینی نبود و همه علوم از طب تا کلام و فقه در یک مدرسه آموخته می‌شد، وضعیت ماده درسی اخلاق شرایط ویژه‌ای دارد و پس از تفکیک نظام آموزشی دینی از نظام جدید آموزشی و تأسیس مدارس جدید و دانشگاه‌ها در کشورهای اسلامی از جمله ایران، ماده درسی اخلاق شرایط دیگری پیدا کرد. اما مطالعه هر دو نظام برای برنامه‌ریزی جامع ضروری است.

آموزش اخلاق در حوزه‌های علمیه

در دوره‌ای که هنوز نظام آموزشی جدید شکل نگرفته و مدارس جدید و دانشگاه تأسیس نشده بود، درس اخلاق با جدیت در مدارس قدیم یا حوزه‌های علمیه پی‌گیری می‌شد. طبق گزارش آیه الله عبدالهادی شیرازی می‌گفت وقتی وارد حوزه شدم، هیچ‌کس در درس اخلاق در حوزه دایر نبود. اما در دوره جدید درد مشترکی هست که هم حوزه‌های علمیه از درس‌های اخلاقی متناسب با این دوره و دارای تنوع و کارآمدی خالی است و هم نظام آموزشی جدید فاقد برنامه‌ریزی برای درس اخلاق است. البته در مطالعه‌ای مقایسه‌ای می‌بینیم هنوز در حوزه‌های علمیه درس‌های اخلاق دایر است و هنوز طلاب به اخلاق اهتمام می‌ورزند، ولی کیفیت عالی آن و کارآمدی آن مورد سؤال است.^۵

پژوهشگری با گلایه نوشته است: امروز [پس از پیروزی انقلاب] به سبب رابطه تنگاتنگ مردم و روحانیت و باریک بینی در کارنامه آنها لزوم تهذیب نفس و تزکیه حوزویان دوچندان است، اما متأسفانه امروزه کرسی‌های اخلاق در حوزه شکسته شده‌اند و موعظه در تاق غبار گرفته همان حجره‌های قدیم به نسیان و واماندگی محکوم شده است و در یک کلام حوزه اینک از جلسات موعظه و درس اخلاق محروم است.^۶

در ادامه می‌نویسد: امروزه حوزه علمیه سخت نیازمند رونق یافتن

درس‌های اخلاقی و عنایت به سیر و سلوک و تهذیب نفس است.^۷ در گذشته غیر از کتاب‌های اخلاقی مثل تهذیب الاخلاق ابوعلی مسکویه و اخلاق ناصری و جامع السعادات نراقی آثار دیگری در مراکز علمی محور درس و بحث بوده است. این گونه آثار هم در حوزه‌های اهل سنت رواج داشته و هم در حوزه‌های شیعه، مثلاً سال‌های دراز کتاب آداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی تدریس می‌شد.^۸ یا کتاب شهید ثانی به نام منیه المرید شهرت و محبوبیت فراوانی داشته است.^۹ در کتاب جامع المقدمات که اولین کتاب درسی طلاب بوده است، در کنار رساله‌های صرف و نحو و منطق رساله‌ای هم در باب تعلیم و تربیت هست که معمولاً طلاب آن را با استاد یا به روش مباحثه فرامی‌گیرند.

در اینجا لازم است به کتاب‌هایی اشاره شود که در باب تعلیم و تربیت تألیف شده و مراکز علمی اسلامی با محور قرار دادن این آثار زمینه را برای اخلاق نیکو فراهم می‌کردند:

أدب العلم از محمدبن الحسن بن جمهور، ابی الحسن العمی، البصری^{۱۰}؛

أنس العالم و أدب المتعلم از احمدبن عبدالله، ابی عبدالله الصفوانی؛

آداب المعلمین، از محمدبن سحنون المغربی (درگذشت ۲۵۶ق)^{۱۱}؛

جامع بیان العلم و فضله از یوسف بن عبدالبر القرطبی المغربی (درگذشت ۴۶۳ق)^{۱۲}؛

۵. ر. ک: محمد نوری، نظام تعلیم و تربیت روحانیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بخش اخلاق.

۶. تأملی در نظام آموزشی حوزه، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۵.

۷. همان، ص ۲۶۶.

۸. این اثر چاپ‌های متعدد دارد، از جمله سیدمحمد رضا حسینی جلالی آن را تصحیح و مستقلاً چاپ کرد: کتاب آداب المتعلمین، مدرسه امام عصر (عج)، شیراز، ۱۴۱۶ق.

۹. این اثر چاپ‌های مختلف دارد. شاید بهترین آن به کوشش رضا مختاری است (دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۴۰۹ق). همچنین سیدمحمدباقر حجتی آن را ترجمه و بازنگاری کرد و با عنوان آداب تعلیم و تربیت در اسلام (تهران، ۱۳۶۹) منتشر کرد.

۱۰. گویا این اولین اثر در این زمینه است و نجاشی آن را در فهرست خود (ص ۳۳۷، رقم ۹۰۱) آورده است، نیز ر. ک: مقدمه سیدمحمد رضا جلالی بر کتاب آداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی.

۱۱. به کوشش محمد العروسی المطوی در تونس به سال ۱۹۷۲م منتشر شد.

۱۲. توسط اداره الطباعة المنیریة آن را در قاهره و دارالکتب العلمیه آن را در بیروت به چاپ رسانده است.

سرفصل‌های مباحث

اولین تیتراژ «اخلاق چیست» است. پس از این تیتراژ چند مبحث درباره تعریف اخلاق و علم اخلاق، چیستی باور علم یا عمل به اخلاق، رابطه اخلاق با عقاید، رابطه اخلاق با خداشناسی است. همه این مباحث جنبه مقدماتی دارد که نویسندگان طبق معمول در کلیات می‌گنجانند. آن‌گاه وارد مبحث خداشناسی می‌شود و البته به ادله شناخت خدا می‌پردازد و سعی می‌کند با ادبیاتی روان برهان نظام و دلالت شگفتی‌های طبیعت بر وجود خداوند را بیان کند، از جمله دستگاه گوارش در بدن آدمی را دلیل خدا می‌داند.

توحید و یگانگی خداوند مبحث بعدی استاد است، در پی آن به نبوت، عدل، امامت و معاد می‌پردازد. پس از بیان اصول عقاید و مذهب سرفصل «وظایف انسان نسبت به خدا» را مطرح کرده. استاد با این فصل می‌خواهد بین اخلاق و کلام (به تعبیر امروزی ایدئولوژی و جهان بینی) رابطه برقرار کند. چهار نسبت یعنی رابطه انسان با خدا، با خودش یا میهن و با جامعه را تشریح می‌کند و تلاش کرده وظایف ارزشی و بایدهای سودمند آدمی را در این رابطه‌ها جستجو نماید. در واقع اخلاق مجموعه‌ای از اعمال یا رفتار انسان است که در چارچوب روابط فوق معنی پیدا می‌کند. در مقابل رفتارهای مذموم و نکوهیده هم از انسان ذیل یکی از روابط چهارگانه از آدمی سر می‌زند.

پس از بررسی روابط چهارگانه، چند فصل درباره محاسن اخلاقی (پرهیزگاری، سرپوشی، شرافت، عدالت، نجابت، امانت و خشم) دارد. از اینجا به بعد مباحث متنوعی بدون نظام مندی ویژه‌ای آورده است. سرفصل‌های این مباحث این گونه است:

تکالیف دانش‌آموزان نسبت به آموزگار، وظایف همشاگردی، تحصیل دانش و لزوم مداومت آن، آداب معاشرت، معنی تکلیف و تعلق آن نسبت به شخص عاقل، تکالیف اجتماعی، فداکاری، فرمانبرداری از قوانین، رعایت آزادی دیگران، انصاف، وفای به

۱۳. در لیدن به سال ۱۹۵۲م و در بیروت به سال ۱۴۰۱ ق منتشر شده است.

۱۴. به کوشش محمد عجاج الخطیب در مؤسسه الرساله بیروت چاپ شده است.

۱۵. به کوشش سیدمحمد هاشم ندوی در حیدرآباد هند و به سال ۱۳۵۴ ق منتشر شد.

۱۶. چاپ‌های مختلف دارد، از جمله به کوشش صلاح محمد الخیمی و نذیر حمدان در دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ ق منتشر شد.

۱۷. در الدار الیمینیه آن را در صنعا به چاپ رساند.

آداب الإملاء و الاستملاء از ابی سعد السمعانی، عبدالکریم بن محمد (درگذشت ۵۶۲هـ)؛

الجامع لأخلاق الراوی و آداب السامع از خطیب البغدادی احمد بن علی بن ثابت (درگذشت ۴۶۳ق)؛

تذکره السامع و المتکلم فی أدب العالم و المتعلم از محمد بن ابراهیم بن جماعه الکنانی (درگذشت ۷۳۳ق)؛

تعلیم المتعلم طریق التعلیم از برهان الدین الزرنوجی (درگذشت حدود ۵۹۳ق)؛

آداب العلماء و المتعلمین از سیدحسین بن قاسم بن محمد من ائمه الزیدیه فی الیمن^{۱۷}.

به دلیل اهمیت این مبحث و اهتمام پژوهشگران به تعلیم و تربیت چند مجموعه از رسائل متعدد تدوین شده است، از جمله فؤاد اهوانی رسائل علمای اسلامی در موضوع تربیت اسلامی را گردآوری کرد و در مصر به سال ۱۹۶۸م چاپ کرد.

ساختار کتاب

اخلاق شریعتی پس از مقدمه به خداشناسی، توحید، نبوت، عدل و معاد پرداخته است، آن‌گاه به سراغ اخلاق می‌رود.

برخی تصور کرده‌اند این کتاب ترکیبی از اخلاق و کلام است و مباحث دو دانش را در خود جای داده است؛ از این رو عنوان آن را اصول عقاید و اخلاق گذاشته‌اند، در حالی که این کتاب به انگیزه تهیه متن درس اخلاق تدوین شده و نویسنده در صدد آوردن مباحث دو علم کلام و اخلاق نبوده است، البته استاد در مقدمه می‌نویسد چون اخلاق موقوف بر پایبند بودن به عقاید است، اصول دین و مذهب را به اختصار با استدلال‌ات ساده در کتاب آورده است. به دلیل اینکه کمتر از یک دهم این اثر درباره مباحث کلامی است و بقیه مسائل اخلاق است، از همین رو جایز نیست آن را ترکیبی از کلام و اخلاق دانسته، نام آن را اصول عقاید و اخلاق بنامیم.

نکته دیگر اینکه تبویب و نظام موضوع‌های این کتاب نه مانند اخلاق نامه‌های شرعی مثل اخلاق محتشمی و نه شبیه اخلاق‌های صوفیانه مثل اوصاف الاشراف و نه مثل کتاب‌های اخلاق فلاسفه مثل اخلاق ناصری است، فقط مباحثی که برای دانش‌آموزان کلاس‌های پنجم و ششم نظام قدیم سودمند تشخیص داده شده در کنار هم و بدون نظام خاص آمده است. البته بهتر بود مباحث دارای وجوه مشترک زیر یک سرفصل قرار می‌گرفت و ساختار کتاب نظام منطقی پیدا می‌کرد.



عهد، ثبات رأی و زیان دودلی، عیوب تکاهل و اهمال، قدر و اهمیت زمان، دوری از بدان و معاشرت با نیکان، مدافعه از حقوق، پاس شرف و آبرو و احترام به دیگران، دوری از چاپلوسی و دوپهم زنی. استاد شریعتی ذیل هر کدام از سرفصل های فوق نیم تا دو صفحه مطلب آورده است.

جذابیت و مقبولیت

اصلی ترین ویژگی هر کتاب اخلاقی این است که باید جامعه را جذب کند و مطالب را در روان و ضمیر آنان فرو نشانند تا بدین وسیله افراد انگیزه لازم را برای عمل به محاسن و ممدوحات اخلاقی بیابند. استاد شریعتی تلاش کرد که این ویژگی را در این اثر به وجود آورد. به همین دلیل آقای فیوضات در مقدمه به جذابیت این اثر اشاره کرده و می نویسد: مؤلف فاضل زحمت کشیده و برای اینکه دانش آموزان و مطالعه کنندگان از قرائت و مطالعه آن خسته و کسل نشوند، با اشعار شعرای نامی و کلمات بزرگان و دانشمندان آن را آراسته اند.^{۱۸}

مشرب

رویکردها و گرایش های اخلاق پژوهان در فرهنگ اسلامی یکسان نیست، بلکه آنها چند مشرب متنوع دارند: نگاه فلاسفه به اخلاق؛ دوم نگاه ادبیات به اخلاق و خلق آثاری مثل بوستان و گلستان سعدی است؛ سوم مشرب اخلاقی محدثان است که به گردآوری احادیث اخلاقی و تنظیم آنها در یک دفتر می پردازند.^{۱۹} حال استاد شریعتی بر اساس چه مشربی این کتاب را نوشته است؟ استاد سعی کرده متنی جذاب و ساده و روان برای دانش آموزان پنجم و ششم دبستان عرضه کند. برای نیل به این مقصود از تجارب مشارب مختلف بهره برده است، از یک سو آرای حکما را آورده و از سوی دیگر آیاتی از قرآن و منقولاتی از معصومین (ع) را درج کرده است.^{۲۰}

منابع پژوهشی

استاد منابع و مآخذ مباحث را در پاورقی یا در پایان کتاب معرفی نکرده است. اما در متن نام هایی آورده که اشاره به مآخذ می نماید، مثل اینکه ذیل این بیت شعر «جهان چو خط و خال و زلف و ابروست» که هر چیزی به جای خویش نیکوست» از گلشن راز شبستری را نام برده است.^{۲۱} همچنین اشعاری از قاضی حمیدالدین^{۲۲}، سعدی و حافظ^{۲۳}، ناصر خسرو^{۲۴}، فردوسی^{۲۵}،

سنایی^{۲۶}، احادیثی از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین آورده است.^{۲۷} در چند جا به مناسبت به آیات قرآن هم استناد جسته است.^{۲۸} تکه هایی از ادب الوجیز نقل کرده است.^{۲۹}

به مناسبت ذیل هر مبحث حکایتی نقل کرده است. مآخذ این حکایت ها را گاه نقل کرده است. در این مآخذ کتاب های قابو سنامه^{۳۰} نوشته عنصر المعالی به چشم می خورد. از سقراط حکیم حکمت ها و موعظه هایی نقل کرده است و نام او را به میان آورده است.^{۳۱} وقتی به وظایف دانش آموز در برابر آموزگار می رسد، سخنی از اسکندر آورده است که گفت: حق معلم مقدم بر حق پدر است.^{۳۲} از متفکران معاصر مثل فروزانفر، ایرج میرزا^{۳۳} نیز نام برده است و نکاتی از آنها نقل کرده است. در مبحث تکالیف اجتماعی سخن امانوئیل کانت را در کنار حدیث پیامبر اکرم (ص) آورده است.^{۳۴} از برخی رساله های افلاطون هم مطالبی آورده است.^{۳۵}

تجربه های اخلاقی غیر متفکران و نویسندگان را هم آورده است، مثلاً در باب شجاعت و انصاف از صلاح الدین ایوبی تجربه ای نقل کرده است که پژوهشگر نبود و از سرداران بزرگ جنگ های صلیبی است.^{۳۶} حتی گاه تجارب اخلاقی را از پادشاهی نقل می نماید.^{۳۷}

۱۸. اصول عقاید و اخلاق شریعتی، مقدمه ابوالقاسم فیوضات.

۱۹. مشرب های اخلاقی را مفصلاً در مقاله «نظام اخلاقی اسلام» (مجله اخلاق، ش ۱) بررسی کرده ام.

۲۰. اخلاق شریعتی، ص ۴.

۲۱. همان، ص ۹.

۲۲. همان، ص ۱۱.

۲۳. همان، ص ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۸.

۲۴. همان، ص ۲۳ و ۵۸.

۲۵. همان، ص ۲۴.

۲۶. همان، ص ۴۱.

۲۷. همان، ص ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۳۰، ۳۱ و ۴۲.

۲۸. همان، ص ۱۶.

۲۹. همان، ص ۲۳، ۲۸ و ۳۶.

۳۰. همان، ص ۲۹.

۳۱. همان، ص ۲۹ و ۴۳.

۳۲. همان، ص ۳۱.

۳۳. همان، ص ۲، ۳۲ و ۳۵.

۳۴. همان، ص ۳۹.

۳۵. همان، ص ۴۴.

۳۶. همان، ص ۴۴.

۳۷. همان، ص ۴۷.

تعداد این اندرزنامه‌ها کم نیست. این نوشتارها در سفره‌ها، سنگ‌ها و صخره‌ها، حتی تاج انوشیروان نیز ثبت گردیده و در برگیرنده مباحث اخلاقی بوده است که در لابه لای آنها مطالب پرورشی و آموزشی نیز وجود دارد. ابن ندیم در الفهرست خود از ۴۴ کتاب نام می‌برد که ترجمه یا اقتباس از آثار دوره ساسانی است و معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از: زادن و فرخ، مهرآذر جشنس، اندرز خسرو، عهد کسری، عهد اردشیر، پندنامه بزرگمهر و جاودان خود.

متن‌های دیگری به زبان پهلوی باقی مانده که در زمان‌های متأخر به چاپ رسیده است. بعضی از آنها به زبان‌های اروپایی نیز ترجمه شده و در سال‌های اخیر پاره‌ای از آنها به فارسی هم درآمده است.

به هر حال اندرزنامه‌های ایرانی جزء پیشینه اخلاق اسلامی و متون آموزشی اخلاق در فرهنگ مسلمانان است، از این رو بررسی اخلاق اسلامی منوط به مطالعه آن اندرزنامه‌هاست.

اخلاق در قرون اولیه اسلامی دانش مستقلی نبود و در ضمن حدیث بیان می‌شد؛ از این رو آموزش اخلاق همان آموزش حدیث بود. اما بعدها با ورود اندیشه‌های فلسفی به جهان اسلام به دلیل اینکه اخلاق بخشی از حکمت عملی تلقی شد، کتاب‌های اخلاقی عرضه شد، مثل کتاب تهذیب الاخلاق ابوعلی مسکویه (درگذشت ۴۲۱ق)، تهذیب الاخلاق از یحیی بن عدی (درگذشت ۳۳۴ق). چند قرن بعد تهذیب الاخلاق ابوعلی مسکویه را خواجه نصیرالدین طوسی به فارسی درآورد و به نام اخلاق ناصری در اختیار عموم قرار گرفت. در مقدمه همه این کتاب‌ها تصریح شده این سنخ نوشته‌ها برای کسب فضائل و دوری از رذائل تألیف شده‌اند^{۳۹}.

برخی تأکید کرده‌اند پس از دوره حدیث‌گرایی در اخلاق و ورود تحلیل‌های عقلانی اولین اثر را ابوالحسن عامری (درگذشت ۳۸۱ق) به نام السعادة و الایسعاد نوشت^{۴۰}، در حالی که کتاب یحیی بن عدی پیش از اوست.

اهمیت کتب اخلاقی در فرهنگ اسلامی وقتی معلوم می‌گردد که کارنامه آثار اخلاقی در فهرست ابن ندیم مطالعه

۳۸ همان، ص ۵۰.

۳۹. اغلب کتاب‌های کهن اخلاق نظیر تهذیب الاخلاق ابوعلی مسکویه به زبان‌های اروپایی و لاتین ترجمه شد و در مراکز آموزشی اروپا تدریس گردید. محمدتقی دانش‌پژوه در مقدمه کتاب اخلاق محتشمی اطلاعاتی درباره آموزش بودن این متون به دست داده است.

۴۰. مقدمه جلال‌الدین مجتبی بر ترجمه جامع السعادات (علم اخلاق اسلامی، ج ۱، صفحه هجده).

مآخذ پژوهشی استاد شریعتی آن گونه که از گزارش فوق پیداست گوناگون و بسیار متنوع است؛ از این تنوع می‌توان به این نتیجه رسید که به نظر ایشان مفاهیم و تجارب اخلاقی ویژه مسلمانان نیست و در همه اقوام و در تمامی اعصار بوده و همگان با آنها مانوس بوده‌اند. جایی هم که شریعت تصریح و تأکید و دستوری دارد از باب امضای یافته‌های بشری است. خود استاد به این واقعیت توجه دارد و می‌نویسد: اگر تاریخ همه ملل را ورق به ورق بنگریم و مطالعه کنیم و مردان نامی و برجسته هر ملت و کشوری را بررسی نماییم می‌یابیم همگان با اخلاقیاتی مثل تلاش و کوشش و پرهیز از سستی و تنبلی آشنا بوده‌اند^{۳۸}.

پیشینه

استاد شریعتی متذکر شده متأسفانه تا به حال کتابی جامع در زمینه اخلاق به عنوان متنی درسی تألیف و چاپ نشده است، این نکته انگیزه ساز شد این جانب به تاریخ فرهنگ مراجعه کنم و به بررسی تاریخ ماده درسی اخلاق بپردازم. پس از دیدن این جمله پرسشی در ذهنم خلجان کرد که از چه زمانی ماده اخلاق در نظام آموزشی مطرح شد و چه متون درسی در این زمینه تألیف شد. به مطالعه نظام تعلیم و تربیت ایران باستان پرداختم و به این نکته رسیدم که پیشینه متون درسی اخلاق در دوره اسلامی به دوره حکومت پادشاهان ساسانی در ایران مرتبط است، در نظام آموزشی آن دوره اندرزنامه‌هایی متن آموزشی اخلاق بوده است. اندرزنامه‌ها دارای ساختار خاصی است و مشتمل بر آداب و رسوم ایرانیان باستان است. همین اندرزنامه‌ها در قرون اولیه اسلامی به عربی ترجمه شد و وارد فرهنگ اسلامی گردید.

آثار و نوشته‌هایی به زبان پهلوی (فارسی میانه) از دوره ساسانیان به جا مانده که این مقفیع و دیگران بسیاری از آنها در دوره صدر اسلام به زبان عربی ترجمه کرده‌اند و نشانه‌های زیادی از آنها در نوشتارهای فارسی کهن دیده می‌شود و پاره‌ای از آنها در دوره معاصر به زبان فارسی درآمده است و تردیدی وجود ندارد که بخش درخور توجهی از آنها از بین رفته است. زبان پهلوی که تا قرن سوم و شاید چهارم هجری در ایران یا منطقه‌هایی از کشور به کار می‌رفت، به مرور فراموش شد و فقط ایرانیان انگشت‌شماری باقی ماندند که تا قرن‌ها بعد به این زبان آشنایی داشتند. یکی از نوشتارهای پهلوی که در همان سده‌های نخستین اسلامی تدوین شده، کتاب مشهور دینکرد است که دربردارنده همه آموزش‌های اوستایی عصر ساسانی است که به همت آذرقرن بیغ در قرن نهم میلادی و به زمان مأمون عباسی گردآوری شده و بخشی از آن درباره آداب و رفتار اخلاقی است.



مقالات احمدیه، احمد آشتیانی، تهران، ۱۳۱۶، ۲۳۶ ص؛
آئینه ادب، علی ستارزاده، تهران، ۱۳۲۱، ۱۰۰ ص؛
کیمیای سعادت، ابو حامد غزالی، تهران، ۱۳۱۹،
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛
مقالات الحلیه فی موجبات سعاده الابدیه؛ مختصر معراج
السعاده، نراقی، تلخیص عباس قمی، ۱۳۳۰ ق و ۱۳۴۸ ق.

چاپ و انتشار

این اثر یک بار در ۱۳۲۳ از سوی اداره فرهنگ خراسان منتشر شد.
پس از آن به زیور طبع آراسته نشد تا اینکه در سال جاری گروهی
در صدد چاپ و نشر مجموعه آثار استاد شریعتی برآمدند و این اثر را
در جلد دوم مجموعه آثار استاد محمد تقی شریعتی جای دادند. این
مجموعه را محمد بدیعی ویرایش کرده و به زودی چاپ می شود.

پایان

استاد شریعتی در پایان این کتاب جملاتی آورده است که برای
نسل حاضر می تواند سودمند باشد:

شخص دانا و خردمند باید از مردمان سخن چین و چاپلوس
اجتناب کرده و به تظاهرات آنها فریفته نگردد و دسترنج خویش را به
رایگان به این گونه مفتخواران نبخشد و بداند که هر کس عیب دیگران
را پیش روی وی بر شمارد عیب او را نیز به دیگران خواهد بُرد^{۴۸}.

از سال ۱۳۷۰ به مطالعه در زمینه اخلاق اسلامی و اخلاق در
نظام آموزشی مسلمانان پرداختم و برگه های پژوهشی زیادی
آماده تدوین است، امید است بتوانم این مطالعات را نوشته و
ابعاد مختلف این موضوع را بررسی کنم. نیز از اربابان فکر و قلم
استدعا دارم لغزش های مرا گوشزد کرده و مرا هدایت نمایند.



۴۱. فهرست، به کوشش رضا تجدد، ص ۲۷۷.

۴۲. همان، ص ۲۷۸.

43. Axiology

۴۴. دکتر علی شریعتمداری، فلسفه، ص ۴۲۱ و ۴۵۱ (قائم، اصفهان ۱۳۴۷).

۴۵. درس های استاد مطهری در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه
تهران در زمینه اخلاق در مجموعه آشنایی با علوم اسلامی،
حکمت عملی منتشر شده است. استاد کتاب های دیگری در عرصه اخلاق
نیز دارد، مثل فلسفه اخلاق و تعلیم و تربیت که آموزشی نیست.

۴۶. علم اخلاق اسلامی: ترجمه جامع السعادات (مهدی نراقی)، ترجمه
سیدجلال الدین مجتبی، حکمت، تهران، ۱۳۶۶.

۴۷. مقدمه سیدجلال الدین مجتبی (علم اخلاق اسلامی، ج ۱، صفحه
بیست و دو).

۴۸. همان، ص ۵۹.

شود، زیرا فهرست ابن ندیم کارنامه علوم مختلف اسلامی تا
سده ششم قمری است. ابن ندیم ذیل فن سوم از مقاله هشتم
(الکتب المصنفة فی معانی شتی) بخشی با عنوان «اسماء الکتب
المؤلفه فی المواعظ و الآداب و الحکم» فهرستی از کتاب های
اخلاقی را گردآوری کرده است^{۴۱} اکثر کتاب های این فهرستواره
آثار ایرانی است که بعضاً به عربی ترجمه شده است. در بین آنها
این آثار برجسته تر است: کتاب مؤبدان مؤبد فی الحکم و
الجوامع و الآداب؛ کتاب سیره نامه تألیف خداهودین فرزند؛
کتاب عهد اردشیر بابکان الی ابنه سابور. کتاب های هندی نیز
در این فهرست هست، مثل: کتاب شذاتق الهندی فی
الآداب. همچنین به کتاب های اخلاقی عرب اشاره دارد: کتاب
آداب عافیه بن یزید؛ کتاب ادب مسعده الکتب^{۴۲}.

آموزش اخلاق در دانشگاه های ایران

پاسخ به این پرسش خود تحقیق مفصلی است، ولی به اجمال
می توان گفت. سالیان دراز کتاب کلیات فلسفه از پاپکین
و استرول متن درسی در مقطع لیسانس بود. بخشی از این اثر
پردازشی به اخلاق است. این اثر از مباحث اسلامی و حتی شرقی
خالی است و فقط اخلاق غربی را توضیح داده است. گاه کتاب
فلسفه از دکتر علی شریعتمداری محور درسی بود. این کتاب
مشتمل بر بخشی به نام ارزش شناسی^{۴۳} است که مرتبط با اخلاق
است. نویسنده با اینکه آشنا به مباحث فلسفه اسلامی است، ولی
در این بخش فقط آرای غربی ها را بررسی کرده است.^{۴۴}

مرتضی مطهری برای اولین بار در دهه پنجاه و شصت
شمسی، اخلاق اسلامی را وارد عرصه نظام آموزشی کرد و
برای دانشجویان مسائل اخلاق اسلامی را تدریس کرد که بعدها
به صورت کتاب چاپ شد.^{۴۵}

پس از او مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبی که سال ها پس
از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه
تهران را بر عهده داشت، کتابی در سه مرحله به نام علم اخلاق
اسلامی عرضه کرد. این اثر ترجمه ای روان از کتاب جامع
السعادات همراه با مقدمه ای مکنفی است^{۴۶}. این کتاب متن درسی
برای درس اخلاق در تفکر اسلامی در دانشگاه تهران بوده است^{۴۷}.

پیش زمینه

اخلاق شریعتی در سال ۱۳۲۳ تألیف و منتشر شد و پیش از آن
چند اثر اخلاقی به زبان فارسی منتشر شده بود. هر چند این آثار
برای تدریس تدوین نشده بودند، ولی می توانست زمینه ساز
ذهن استاد شریعتی باشد: